

مجموعه مقالات

نخستین هم اندیشه مطالعات عصب شناسی زبان

به کوشش

شهلا رقیب دوست



دی ماه ۱۳۹۰

سرشناسه:	هم‌اندیشی مطالعات عصب‌شناسی زبان (نخستین: ۱۳۹۰: تهران).
عنوان و نام پدیدآورنده:	مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی مطالعات عصب‌شناسی زبان به کوشش شهلا رقیب‌دوست؛ انجمن زبان‌شناسی ایران.
مشخصات نشر:	تهران: اهورا، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری:	۱۱۱ ص: مصور، جدول، نمودار.
شابک:	۳۵۰۰ ریال: ۱- ۳۶- ۷۳۱۶- ۹۶۴- ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه
یادداشت:	واژه‌نامه
موضوع:	عصب‌شناسی زبان-کنگره‌ها
موضوع:	عصب‌شناسی زبان--مقاله‌ها و خطابه‌ها
شناسه افزوده:	رقیب‌دوست، شهلا، ۱۳۳۷- / گردآورنده.
رده بندی کنگره:	QP ۳۹۹/۵۸ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی:	۶۱۲ / ۸۲۳۳۶
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۲۵۶۱۶۸۴



تهران، خیابان شیخ بهایی جنوبی، خیابان ایران‌شناسی، تهران، خیابان انقلاب، خیابان اردیبهشت، خیابان

روانمهر، پلاک ۱۴۸

صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۱۱۹۱

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۸۸، نمابر: ۶۶۴۱۳۹۱۰

ساختمان بنیاد ایران‌شناسی، طبقه ۵.

صندوق پستی: ۱۴۳۷۸۳۵۵۹

تلفن: ۸۸۲۱۲۰۰۳، نمابر: ۸۸۲۱۲۰۰۳

www.lsi.ir

شابک: ۱- ۳۶- ۷۳۱۶- ۹۶۴- ۹۷۸

ISBN: 978-964-7316-36-1

مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی مطالعات عصب‌شناسی زبان

دبیر علمی	شهلا رقیب‌دوست
دبیر اجرایی	سپیده عبدالکریمی
کارشناس دفتر انجمن زبان‌شناسی ایران	پگاه رجبی
ویراستار	سپیده عبدالکریمی
ویراستار فنی، صفحه‌آرایی و آماده‌سازی چاپ	امیراحمدی
طراح پوستر و اجرای طرح جلد	عباس رجب سلمانی
صفحه‌آرایی و آماده‌سازی چاپ	فرید عطایی
هماهنگی و ناظر چاپ	حجت محرابی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

- رهیافت شناختی و عصب‌شناختی جدید به ناسازگاری یافته‌های
روانشناختی - عصب‌شناختی و داده‌های حاصل از تصویربرداری‌های پیشین
۷ مغز در تحلیل زبان‌پریشی و موسیقی‌پریشی
هوشنگ بساطی
- ۲۵ تحلیل زبان‌شناختی قضاوت دستوری ساخت‌های موصولی در کودکان کم‌شنوا
رباب تیموری - شهلا رقیب‌دوست
- رابطه‌ی اختلالات نحوی و ساختار مغز: شواهدی از بیماران
۳۹ دستنورپریش فارسی‌زبان
شهلا رقیب‌دوست
- بررسی نقش شفافیت معنایی در پردازش اسم‌های مرکب غیرفعلی در زبان
۶۵ فارسی: شواهدی از بیماران زبان‌پریش بروکا
موسی غنچه‌پور - مهدیه پاکزاد مقدم
- ویژگی‌های نوواژه سازی در کودکان، بیماران اسکیزوفرنیک با علائم مثبت و
بیماران زبان‌پریش (براساس بررسی مقایسه‌ای)
۸۱ فرشته مؤمنی
- ۹۷ پرسش‌های معرفت‌شناختی درباره‌ی مبانی زیست‌شناختی زبان
رضا نیلی‌پور

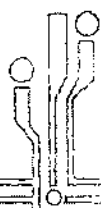
نخستین هم‌اندیشی مطالعات عصب‌شناسی زبان به همت انجمن زبان‌شناسی ایران و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در اول دی ماه ۱۳۹۰ برگزار شد. این هم‌اندیشی مجالی را فراهم آورد تا پژوهشگران و علاقه‌مندان به این حیطه‌ی علمی گرد هم آیند، و با طرح مسائل و دیدگاه‌های جدیدی از این شاخه‌ی میان‌رشته‌ای نوین و تبادل اطلاعات روزآمد گامی در جهت معرفی هر چه بهتر آن بردارند.

پس از دهه‌ها تلاش بی‌وقفه اندیشمندان برای مطالعه‌ی زبان و مغز از زاویه‌ای زبان‌شناختی، اکنون ما شواهد اثبوتی از منابع گوناگون در اختیار داریم که افق‌های تازه‌ای را در پهنه‌ی عصب‌شناسی زبان به روی ما می‌گشاید، و آگاهی از آنها پرده از رازهای بسیاری در جهت شناخت این دو پدیده‌ی شگفت‌انگیز برمی‌دارد. سامان‌دهی جلسات این هم‌اندیشی نیز با این هدف صورت گرفت که موضوعات سخنرانی‌ها طیف متنوعی از مباحث مهم عصب‌شناسی زبان شامل نظریه‌های زیست‌شناختی زبان، پردازش واژگانی و زبان‌پریشی، قضاوت نحوی و کم‌شنوایی، رابطه‌ی زبان و موسیقی، فرایند نوآوری‌سازی و سازوکارهای عصب‌روان‌شناختی آن و رابطه‌ی اختلالات نحوی و ساختار مغز را دربرگیرد. مجموعه‌ی حاضر شامل شش مقاله‌ای است که در این جمع هم‌اندیشی به صورت سخنرانی ارائه شده‌اند.

در برگزاری این مجمع و تدوین و نشر این مجموعه یاری و همراهی بی‌دریغ و صمیمانه‌ی یاران انجمن زبان‌شناسی، بویژه، خاتم دکتر سپیده عبدالکریمی و جناب آقای امیر احمدی، جای سپاس فراوان دارد. این عزیزان با نهایت مهر و حوصله و با صرف وقت بسیار این امکان را برای ما فراهم آوردند که شاهد برگزاری این هم‌اندیشی باشیم. بی‌گمان در سایه‌ی پشتیبانی این دوستان این جلسه‌ی هم‌اندیشی می‌تواند طلوعی پویای باشد و بایسته و شایسته‌ای در مسیر دانش عصب‌شناسی زبان باشد، و تداوم آن به یمن تلاش و دلگرمی طالبان و دانش‌پژوهان این شاخه‌ی علمی می‌تواند ثمرات ارزشمندی را به‌ارمغان آورد.

شهلا رقیب‌دوست

زمستان ۱۳۹۰



رهیافت شناختی و عصب‌شناختی جدید به ناسازگاری یافته‌های روانشناختی - عصب‌شناختی و داده‌های حاصل از تصویربرداری‌های پیشین مغز در تحلیل زبان‌پریشی و موسیقی‌پریشی

هوشنگ بساطی

دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی

hbesati@yahoo.com

چکیده

یکی از مباحث مطرح در علوم شناختی و علوم اعصاب این است که تا چه حد پردازش زبان از دیگر فرایندهای شناختی مستقل بوده و به‌طور خودکار عمل می‌کند. بسیاری از محققان علوم اعصاب بر این باورند که میان فرایندهای زبانی و دیگر فرایندهای شناختی مغز ارتباط وجود دارد. در تأیید این ادعا، داده‌های حاصل از تصویربرداری مغز نشان‌دهنده‌ی همپوشانی و تعامل در سطوحی از پردازش زبان و موسیقی است، درحالی‌که، این، با موضع روانشناسان عصب‌شناختی در تضاد است که دو حوزه‌ی پردازشی کاملاً متفاوت برای پردازش زبان و موسیقی متصور هستند. هدف از پژوهش حاضر بررسی استقلال یا عدم استقلال در پردازش، بازنمایی، و وجود ارتباط عصبی بین لهجادی از زبان و موسیقی، یویژه، نحو می‌باشد. از این رو، با طرح پرسش‌های مرتبط و پاسخ نظام‌مند به آنها نه تنها شکاف موجود در تحلیل‌های پیشین برجسته شده است، بلکه با تکیه بر داده‌های جدید حاصل از تصویربرداری مغز و نظریه‌های شناختی نقطه‌ی تلاقی ویژه‌ای در پردازش زبان و موسیقی و چگونگی ارتباط عصبی میان آن دو ترسیم نموده‌ایم. از این گذشته، با فرض وجود تمایزی مفهومی در بازنمایی و پردازش نحوی، نشان داده‌ایم نحو زبان و موسیقی در مجموعه فرایندهای خاصی مشترک هستند، لیکن همپوشانی نحو زبانی و موسیقی در سطح بازنمایی آنها صورت نمی‌گیرد. می‌توان نتیجه گرفت که شبکه‌های ارتباطی و عصبی ویژه‌ای در حوزه‌ی زبان و موسیقی وجود دارد و حداقل برخی از فرایندهای حاکم بر پردازش زبان و موسیقی مربوط به مناطقی از مغز هستند که از نواحی مربوط به بازنمایی نحوی متفاوتند.

کلیدواژه‌ها: پردازش نحوی^۱، بازنمایی نحوی^۲، استقلال^۳، خودکار بودن^۴، حوزه‌ای بودن^۵، مجاورت^۶

- 1 syntactic processing
- 2 syntactic representation
- 3 autonomy
- 4 automaticity
- 5 modularity
- 6 proximity

۱. مقدمه

زبان به‌عنوان یکی از قابلیت‌های پیچیده‌ی انسان پدیده‌ای بسیار بنیادین است که هدف آن ایجاد ارتباط میان افراد جامعه می‌باشد. برای نیل به چنین هدفی، گویشوران زبان باید فعالیت‌های ظریف و امور مستقل و متفاوتی را انجام دهند که از آن میان، می‌توان به انتخاب کلمات، همراه کردن معانی با آنها و نیز چیدمان آنها بر اساس روابط سلسله‌مراتبی خاص اشاره کرد. هرکدام از این فعالیت‌ها دارای مقوله‌ها و مؤلفه‌هایی است که شیوه‌ی بازنمایی و پردازش خاص خود را دارند. مطالعات اخیر با بهره‌گیری از تکنیک‌های عکس‌برداری در تشخیص انطباق مناطقی از مغز با عملکردهای زبانی خاص شواهدی به دست داده‌اند که نشان می‌دهد نواحی مجزایی از بخش‌های پیشین قشر مغز کم‌وبیش به نقش‌های زبانی تخصص یافته است. از طرفی، مطالعات مربوط به علوم شناختی مدت زیادی است که قائل به واقعیت روانشناختی و جوهی از زبان است، که احتمال می‌رود بر اثر آسیب‌های مغزی در سطوح مختلفی دچار اختلال گردند. همچنین، تصاویر به‌دست آمده از تکنیک‌هایی مثل FMRI و PET اطلاعات جالبی را در ارتباط با رابطه‌ی میان فرایندهای شناختی و مسائل آسیب‌شناختی عصبی به ما می‌دهد. با وجود این، طی نیمه‌ی اول قرن بیستم، محققان چندی با توجه به رویه‌های تحقیقی و علمی خاص خود رویکرد نسبتاً متفاوتی اتخاذ کردند که از آن میان، می‌توان به لشلی^۱ (۱۹۵۰) اشاره کرد. وی عمیقاً در مورد رویکرد مبتنی بر آرایش یاخته‌ای در تخصیص‌یافتگی کرکس مغز تردید داشت و آن را بی‌اعتبار قلمداد کرد. لشلی با پیروی از رویکرد فلورنس^۲ و نیز، با در نظر گرفتن مشاهدات خود به این نتیجه رسید که یادگیری، زبان و دیگر نقش‌های ذهنی جایگاه خاصی در مغز ندارند و به همین دلیل، نمی‌توان آنها را به مجموعه‌ای از سلول‌های عصبی خاص محدود کرد. این مسئله باعث شد وی رویکرد عملکرد توده‌ای^۳ را مطرح کند که به نوعی، به درهم‌تنیدگی فعالیت‌ها و ارتباط پردازشی آنها اعتقاد دارد.

یکی از مباحث اصلی در علوم عصب‌شناختی و شناختی بحث اتوماتیک بودن و استقلال پردازش زبانی، بویژه پردازش نحوی، از دیگر فرایندهای شناختی و ادراکی نیازمند توجه و آگاهی است. این در حالی است که بسیاری از محققان علوم عصبی رایانه‌ای قائل به فعالیت بین فرایندهای زبانی و دیگر فرایندهای شناختی مغز از قبیل موسیقی می‌باشند و نیز این‌که

1 Lashley

2 Florence

3 mass action

